تغییر مسیر بخشی از تجارت ایران از جنوب به شمال

وزیر اقتصاد با اشاره به تغییر مسیر بخشی از تجارت کشور در پی محدودیت‌های دریایی و بسته شدن مسیرهای تجاری جنوب گفت: بخشی از تجارت کشور به سمت مرزهای شمالی و مسیرهای زمینی سوق پیدا کرده که این موضوع به دلیل افزایش حجم مبادلات از این گذرگاه‌ها، موجب طولانی‌تر شدن صف‌های مرزی شده است. سیدعلی مدنی‌زاده در گفت‌وگویی با اشاره به فشارهای خارجی و تلاش برای بازگرداندن اقتصاد کشور به روال طبیعی اظهار کرد: طرف مقابل در حال اعمال فشار است، اما دولت نیز تلاش می‌کند این فشارها را خنثی کند. کاملاً آگاهیم که شرایط موجود بر زندگی مردم و سفره خانوارها تأثیر گذاشته است، اما این‌طور نیست که دولت دست روی دست گذاشته باشد. وی افزود: بسیاری از اقدامات دولت به دلایل مختلف رسانه‌ای نمی‌شود. بخشی از اقدامات در پشت صحنه انجام می‌شود، چراکه ممکن است طرف مقابل با اطلاع از آنها برای مقابله با این اقدامات برنامه‌ریزی کند. با این حال، آثار این تلاش‌ها به‌تدریج در هفته‌ها و ماه‌های آینده نمایان خواهد شد. وزیر اقتصاد با اشاره به شرایط پس از جنگ و محدودیت‌های تجاری کشور تصریح کرد: باید بپذیریم که از یک جنگ تمام‌عیار خارج شده‌ایم و اکنون نیز با محاصره دریایی سنگین و فشارهای مختلف مواجه هستیم. با وجود این شرایط، دولت تمام تلاش خود را به کار گرفته و خوشبختانه روند ورود و خروج کالا به کشور برقرار است؛ هرچند محدودیت‌های موجود موجب شده سرعت مبادلات تا حدودی کاهش پیدا کند و در برخی مرزها صف‌های طولانی‌تری برای انتقال کالا شکل بگیرد. مدنی‌زاده تأکید کرد: با بسته شدن مسیرهای تجاری جنوب و محدودیت‌های دریایی، بخشی از تجارت کشور به سمت مرزهای شمالی و مسیرهای زمینی سوق پیدا کرده است. برای چنین شرایطی برنامه‌ریزی شده بود، اما انتقال حجم بیشتری از کالا از گلوگاه‌های مرزی شمالی و مسیرهای زمینی، طبیعتاً موجب طولانی‌شدن صف‌ها شده است. وی ادامه داد: همه وزرا در حال تلاش برای رفع این موانع هستند و به‌ویژه وزیر راه و شهرسازی نیز اقدامات خوبی در حوزه پایانه‌ها و تسهیل عبور کالا انجام داده است. وزیر اقتصاد در پاسخ به این پرسش که در شرایط اعمال تحریم‌ها و تهدیدهای خارجی، چگونه می‌توان ادعای بی‌توجهی جمهوری اسلامی ایران به اقتصاد و معیشت مردم را پذیرفت، اظهار کرد: طرف مقابل تلاش می‌کند فشار حداکثری و تمام‌عیار وارد کند و زندگی مردم را مختل سازد. وی با بیان اینکه تحریم‌ها حتی بر روند تأمین دارو و دسترسی مردم به اقلام درمانی تأثیر می‌گذارد، توضیح داد: وقتی در انتقال دارو به داخل کشور مشکل ایجاد می‌کنند، ممکن است قیمت دارو افزایش پیدا کند یا برخی داروها تا زمانی که دولت بتواند منابع جایگزین برای تأمین آنها فراهم کند، کمیاب شوند. این وضعیت طبیعتاً فشار مضاعفی به مردم وارد می‌کند و حتی می‌تواند به افزایش درد و رنج و مرگ‌ومیر منجر شود. مدنی‌زاده درباره پیامدهای انسانی اقدامات دشمنان گفت: این اقدامات از سوی همان طرفی انجام می‌شود که کودکان مظلوم ما را در مدارس به شهادت می‌رساند و از آسیب رساندن به مردم از مسیرهای دیگر نیز ابایی ندارد. در واقع، آنها با جان، زندگی و سفره مردم بازی می‌کنند. وی بیان کرد: مردم عزیز مطمئن باشند که همه مجموعه دولت شبانه‌روز در حال تلاش است تا شرایط معیشتی مردم بهبود پیدا کند و چرخ اقتصاد کشور بچرخد. مدنی‌زاده فعال نگه داشتن واحدهای تولیدی را از اولویت‌های دولت دانست و اظهار کرد: یکی از نکات مهم برای ما این است که کارخانه‌ها فعال بمانند و تأمین مالی واحدهای تولیدی با وجود دشواری‌های موجود استمرار پیدا کند. وزیر اقتصاد با اشاره به دشواری مدیریت شرایط تورمی کشور خاطرنشان کرد: در شرایط تورمی فعلی، کار دشواری پیش رو داریم و باید کنترل جدی بر رشد نقدینگی اعمال کنیم تا بتوانیم تورم را مهار کنیم.

تامین مالی ۱۳۱۵ پروژه عمرانی از محل طرح نشان‌دار کردن مالیات

مدیرکل دفتر روابط عمومی و فرهنگ‌سازی مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور از مشارکت ۳۳۶ هزار و ۷۲۹ مودی در طرح نشان‌دار کردن مالیات تا ۲۴ آبان‌ماه خبر داد و گفت: میزان مشارکت در این طرح در مقایسه با مجموع مشارکت سال گذشته تاکنون حدود ۱۲ درصد افزایش یافته است. داود خدابنده با اشاره به آخرین آمار مشارکت مودیان در طرح نشان‌دار کردن مالیات اظهار کرد: تا ۲۴ آبان‌ماه امسال ۳۳۶ هزار و ۷۲۹ نفر در این طرح مشارکت کرده‌اند؛ مجموع مشارکت مودیان در سال گذشته ۳۰۱ هزار نفر بوده و آمار امسال تا ۲۴ آبان ماه از رشد حدود ۱۲ درصدی مشارکت حکایت دارد. وی با بیان اینکه تأمین مالی پروژه‌های منتخب نیز روند قابل توجهی داشته است، افزود: تاکنون ۱۶ همت برای اجرای پروژه‌های مختلف در سطح کشور تأمین مالی شده و یک‌هزار و ۳۱۵ پروژه نیز به‌طور کامل و در سطح صددرصدی تأمین مالی شده‌اند. مدیرکل دفتر روابط عمومی و فرهنگ‌سازی مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور تصریح کرد: برای اجرای طرح نشان‌دار کردن مالیات در سال جاری ۲۰۸۳ پروژه با اعتباری بالغ بر ۲۸ همت پیش‌بینی شده است تا مودیان بتوانند با انتخاب محل هزینه‌کرد مالیات خود در تامین مالی و پیشبرد پروژه‌های موردنیاز کشور مشارکت کنند. خدابنده با بیان اینکه استان سیستان و بلوچستان اولین استانی است که در سال جاری تمامی پروژه‌های آن تاکنون تامین مالی شده است، افزود: ۲۳۶ پروژه این استان با انتخاب مودیان به صورت کامل و صددرصد تأمین مالی شده‌اند. مدیرکل دفتر روابط عمومی و فرهنگ‌سازی مالیاتی سازمان امور مالیاتی گفت: از بین ۹۰۹ پروژه مربوط به احداث و تکمیل مدرسه در طرح نشان‌دار کردن مالیات امسال، ۱۷۸ پروژه مربوط به استان سیستان و بلوچستان بوده است که با مشارکت مودیان هم‌اینک به‌طور کامل تامین مالی شده است. وی خاطرنشان کرد: طرح نشان‌دار کردن مالیات با هدف پیوند دادن پرداخت مالیات به نیازهای ملموس جامعه و افزایش نقش‌آفرینی مودیان در تعیین محل هزینه‌کرد منابع مالیاتی اجرا می‌شود. در این سازوکار مودیان می‌توانند از میان پروژه‌های پیش‌بینی شده در حوزه‌های مختلف طرح موردنظر خود را انتخاب کنند تا مالیات پرداختی آنها به تامین اعتبار پروژه‌های منتخب اختصاص یابد. مدیرکل دفتر روابط عمومی و فرهنگ‌سازی مالیاتی در پایان گفت: مودیان می‌توانند تا پایان آبان‌ماه از طریق ظرفیت تبصره ماده ۱۰۰ قانون مالیات‌های مستقیم در انتخاب پروژه‌های اولویت‌دار طرح نشان‌دار کردن مالیات مشارکت کرده و در توسعه و آبادانی کشور سهیم شوند.

مساله تهران با واشنگتن نه شکل مذاکره، بلکه اعتبار تعهدات امریکاست

دیپلماسی زیر سایه بی‌اعتمادی

روابط ایران و امریکا در مرحله‌ای قرار گرفته که بیش از هر زمان دیگری، فاصله میان مواضع اعلامی واشنگتن و واقعیت‌های میدانی و سیاسی آشکار شده است. از یک‌سو، دولت دونالد ترامپ همچنان از مذاکره و دستیابی به توافق سخن می‌گوید و از سوی دیگر، سیاست فشار، تهدید نظامی و طرح مطالباتی که با حقوق بنیادین ایران در تعارض است، ادامه دارد. در چنین شرایطی، تهران نه از مواضع خود عقب‌نشینی کرده و نه مسیر دیپلماسی را مسدود دانسته است. پیام مقام‌های ایرانی در روزهای اخیر روشن‌تر از گذشته بیان شده است؛ ایران برای توافق آمادگی دارد، اما توافقی که برمبنای پذیرش حقوق ایران و احترام متقابل شکل بگیرد، نه توافقی که نتیجه فشار و تهدید باشد. اظهارات اخیر محمدباقر قالیباف، رییس مجلس شورای اسلامی و اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه تصویری نسبتاً روشن از موقعیت کنونی ایران ارایه می‌دهد. قالیباف تأکید کرده است که برای ایران تفاوتی ندارد امریکا مذاکره را انتخاب کند یا جنگ؛ اگر هفت شرط منطقی ایران پذیرفته شود، مسیر توافق باز خواهد بود و در صورت تکرار خطای نظامی امریکا، تعیین جغرافیای نبرد در اختیار توان و اراده نیروهای مسلح ایران خواهد بود. بقایی نیز در نشست خبری خود تصریح کرده است که مساله اصلی تهران، مستقیم یا غیرمستقیم بودن مذاکرات نیست؛ مساله این است که آیا واشنگتن واقعاً به دیپلماسی متعارف و توافق پایبند است یا بار دیگر می‌خواهد از مذاکره به عنوان پوششی برای فشار و اقدام نظامی استفاده کند. این مواضع را باید در چارچوب یک تحول مهم در معادلات سیاسی و دیپلماتیک منطقه ارزیابی کرد. ایران اکنون تلاش می‌کند میان آمادگی برای گفت‌وگو و حفظ حقوق و منافع ملی خود مرز روشنی ترسیم کند. در مقابل، دولت ترامپ با مساله‌ای روبه‌رو است که صرفاً با افزایش فشار یا تکرار تهدیدها حل نمی‌شود؛ چگونه می‌توان از کشوری انتظار امتیازدهی داشت که تجربه قبلی خروج امریکا از توافق و حمله نظامی در میانه مذاکرات را پشت سر گذاشته است؟

هفت شرط؛ چارچوب ایران برای خروج از وضعیت نه جنگ و نه صلح

یکی از مهم‌ترین بخش‌های اظهارات اخیر قالیباف، تأکید دوباره بر هفت شرط ایران برای باز شدن مسیر توافق است. اهمیت این موضع در آن است که تهران تلاش می‌کند وضعیت موجود را از حالت تعلیق و بلاتکلیفی خارج کند. ایران نمی‌خواهد در وضعیتی باقی بماند که نه جنگ به‌طور رسمی پایان یافته و نه چشم‌انداز روشنی برای توافق وجود دارد، اما پایان دادن به این وضعیت را نیز صرفاً از مسیر پذیرش خواسته‌های امریکا دنبال نمی‌کند. در این چارچوب، هفت شرط ایران به عنوان مبنای ورود به مسیر توافق مطرح شده‌اند؛ شروطی که قالیباف آنها را نتیجه ایستادگی و مجاهدت ملت ایران توصیف کرده است. با این حال، باید میان اعلام وجود این شروط و انتشار رسمی جزییات کامل آنها تفاوت قائل شد. فهرست جامع و رسمی هفت شرط در قالب یک سند عمومی منتشر نشده است و نمی‌توان هر آنچه در رسانه‌ها درباره جزییات آن مطرح می‌شود را به عنوان متن قطعی موضع ایران تلقی کرد. آنچه از مجموعه مواضع مقام‌های ایرانی می‌توان دریافت، تأکید بر حقوق حاکمیتی، امنیت ملی، جبران خسارت‌ها، پایان دادن به تجاوز و تضمین‌هایی برای جلوگیری از تکرار آن است. این چارچوب از یک جهت اهمیت دارد: ایران نمی‌خواهد مذاکره صرفاً به گفت‌وگو درباره امتیازهایی تبدیل شود که باید از طرف تهران واگذار شود. در منطق دیپلماسی، توافق زمانی معنا پیدا می‌کند که دو طرف در برابر تعهدات و امتیازات یکدیگر، دستاوردی متقابل داشته باشند. اگر قرار باشد یک طرف با ابزار نظامی و اقتصادی فشار وارد کند و طرف دیگر تنها درباره چگونگی عقب‌نشینی خود مذاکره کند، چنین روندی نه توافق پایدار، بلکه صورت دیگری از تحمیل اراده است. قالیباف با تأکید بر اینکه ایران در وضعیت «نه جنگ، نه صلح» باقی نخواهد ماند، در واقع دو مسیر را پیش روی واشنگتن قرار داده است؛ پذیرش چارچوبی که امکان توافق را فراهم کند یا پذیرفتن مسوولیت پیامدهای ادامه تقابل. این پیام، هم به طرف امریکایی و هم به افکار عمومی منطقه منتقل می‌شود که تهران در پی تعلیق بی‌پایان وضعیت موجود نیست، اما حاضر هم نیست برای خروج از آن، از حقوق خود صرف‌نظر کند.

تناقض بزرگ ترامپ؛ مذاکره با زبان تهدید

دولت ترامپ در ماه‌های اخیر با تناقضی اساسی در سیاست خود نسبت به ایران مواجه بوده است. از یک طرف، مقام‌های امریکایی از ضرورت دستیابی به توافق سخن می‌گویند و از طرف دیگر، ادبیات تهدیدآمیز و مطالبات حداکثری را حفظ می‌کنند. این تناقض زمانی جدی‌تر می‌شود که تجربه مذاکرات پیشین نیز در محاسبات تهران حضور دارد. بقایی در نشست خبری اخیر خود به همین مساله اشاره کرده و گفته است امریکا در کمتر از ۹ ماه، از دیپلماسی برای کمین کردن و شبیخون زدن استفاده کرده است. اشاره او به تجربه‌ای است که در آن، مذاکرات دیپلماتیک نتوانست مانع اقدام نظامی امریکا شود. از نگاه تهران، این تجربه نشان داده است که صرف اعلام آمادگی واشنگتن برای مذاکره، به معنای وجود اراده واقعی برای حل‌وفصل اختلافات نیست. این مساله در روابط بین‌الملل اهمیت بنیادی دارد. مذاکره بر اعتماد کامل طرفین استوار نیست، اما حداقلی از اعتبار و پایبندی به تعهدات برای ادامه آن ضروری است. وقتی یک دولت در میانه روند دیپلماتیک به اقدام نظامی متوسل می‌شود، هزینه سیاسی و امنیتی مذاکره برای طرف مقابل افزایش پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، بازگشت به میز گفت‌وگو بدون پاسخ روشن به تجربه گذشته، دشوار خواهد بود.

ترامپ اکنون با همین مساله روبه‌رو است. او نمی‌تواند از ایران انتظار داشته باشد تجربه حمله در میانه مذاکرات را نادیده بگیرد و صرفاً براساس اظهارات جدید مقام‌های امریکایی وارد یک روند تازه شود. دولت امریکا باید نشان دهد که مذاکره برایش ابزاری جهت مدیریت بحران و دستیابی به توافق است، نه فرصتی برای تحمیل خواسته‌ها یا خرید زمان برای اقدام بعدی. به همین دلیل است که بقایی تأکید می‌کند مساله ایران، مستقیم یا غیرمستقیم بودن مذاکره نیست. تهران پیش‌تر با امریکا مذاکره کرده و توافقی نیز حاصل شده است؛ اما واشنگتن به آن پایبند نمانده است. بنابراین تغییر قالب مذاکرات، جابه‌جایی مذاکره‌کنندگان یا انتخاب افراد جدید در تیم امریکایی، به‌تنهایی مساله را حل نمی‌کند. آنچه اهمیت دارد، تغییر رفتار دولت امریکاست.



پرونده هسته‌ای؛ خط قرمزی که با فشار تغییر نمی‌کند

یکی از اصلی‌ترین محورهای اختلاف تهران و واشنگتن، برنامه هسته‌ای ایران است. موضع امریکا از ابتدا بر محدود کردن دامنه فعالیت‌های هسته‌ای ایران و وادار کردن تهران به چشم‌پوشی از بخشی از حقوق خود متمرکز بوده است. در مقابل، ایران بر حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای براساس معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای تأکید می‌کند. بقایی در اظهارات اخیر خود بار دیگر تصریح کرده است که ایران از حق بنیادین و حاکمیتی خود برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای صرف‌نظر نخواهد کرد. او همچنین تأکید کرده که در شرایط فعلی اساساً گفت‌وگویی درباره جزییات فنی پرونده هسته‌ای در جریان نبوده است. این موضع از آن جهت مهم است که برخی گمانه‌زنی‌ها درباره پذیرش تعلیق غنی‌سازی یا کاهش سطح آن به عنوان بخشی از توافق احتمالی مطرح شده‌اند، در حالی که سخنگوی وزارت خارجه ورود به چنین بحث‌هایی را تأیید نکرده است. در این میان، گزارش فصلی اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نحوه انتشار اطلاعات مربوط به آن نیز به یکی از محورهای تنش تبدیل شده است. ایران از یک سو نسبت به انتشار گزارش پیش از اعلام رسمی و انتقال محتوای آن به رسانه‌های غربی اعتراض دارد و از سوی دیگر، گزارش‌دهی آژانس را یک‌سویه و متأثر از فشار سیاسی امریکا و برخی کشورهای اروپایی می‌داند.

نکته مهم‌تر، موضوع حملات نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران است. بقایی تأکید کرده که خود آژانس نیز در گزارش اخیرش به بی‌سابقه بودن وضعیت ایجادشده پس از حملات امریکا و اسراییل اذعان کرده است. از نگاه تهران، اختلال در فعالیت‌های نظارتی آژانس نتیجه مستقیم همین حملات است و نمی‌توان بدون توجه به عامل ایجادکننده این وضعیت، از ایران انتظار داشت همکاری‌های پیشین را بدون تغییر ادامه دهد.

این اختلاف، تنها یک مناقشه فنی درباره سطح دسترسی بازرسان نیست، بلکه به مساله مسوولیت و اعتبار نهادهای بین‌المللی نیز مربوط می‌شود. ایران می‌گوید تأسیسات تحت پادمان هدف حمله قرار گرفته‌اند، اما آژانس و شورای حکام در محکوم کردن صریح این اقدام به اندازه کافی روشن عمل نکرده‌اند. در چنین شرایطی، تهران میان تعهدات پادمانی و همکاری‌های مرتبط با تأسیسات آسیب‌دیده تفاوت قائل می‌شود.

بقایی تصریح کرده است که ایران تعهدات پادمانی خود را تعلیق نکرده و بازرسی‌های دوره‌ای نیروگاه بوشهر نیز در چارچوب تعهدات موجود و قرارداد با روسیه ادامه دارد. در عین حال، بازگشت به سطح پیشین همکاری‌ها مستلزم درنظر گرفتن شرایط جدید و مسوولیت طرف‌هایی است که با حمله به تأسیسات هسته‌ای، وضعیت بی‌سابقه‌ای ایجاد کرده‌اند.

آژانس زیر فشار سیاسی؛ مساله‌ای فراتر از اختلاف تهران و گروسی

اختلاف ایران و آژانس در شرایط فعلی، به یکی از موانع مهم در مسیر کاهش تنش تبدیل شده است. تهران معتقد است آژانس باید میان وظیفه فنی و نظارتی خود و فشارهای سیاسی برخی دولت‌ها فاصله بگذارد. انتشار گزارش‌های یک‌سویه، انتقال اطلاعات پیش از انتشار رسمی به رسانه‌های غربی و طرح گمانه‌زنی‌های غیرفنی درباره تأسیسات جدید، از جمله مواردی است که ایران به آنها اعتراض دارد.

در این میان، اظهارات رافائل گروسی درباره تأسیسات هسته‌ای جدید در اصفهان نیز به حساسیت‌ها افزوده است. بقایی این اظهارات را گمانه‌زنی غیرفنی توصیف کرده و گفته است آژانس نباید برای رهایی از وضعیت ناشی از حملات نظامی، به طرح ادعاهایی متوسل شود که ممکن است مورد سوءاستفاده طرف‌های دیگر قرار گیرد. از نگاه ایران، آژانس نمی‌تواند از یک طرف پیامدهای حمله به تأسیسات هسته‌ای را در گزارش خود ثبت کند و از طرف دیگر، بدون توجه به همین شرایط، همان سطح از دسترسی و همکاری گذشته را مطالبه کند. این موضع به معنای کنار گذاشتن تعهدات بین‌المللی نیست؛ بلکه تهران خواستار آن است که مسوولیت‌ها در چارچوبی متوازن و براساس واقعیت‌های ایجادشده تعریف شوند. البته حل این اختلاف برای هر دو طرف اهمیت دارد. ادامه وضعیت کنونی می‌تواند همکاری‌های فنی را محدودتر کند و زمینه را برای استفاده سیاسی از پرونده هسته‌ای در شورای حکام و دیگر نهادهای بین‌المللی فراهم سازد. اما مسوولیت خروج از این وضعیت صرفاً بر عهده ایران نیست. آژانس نیز باید استقلال فنی خود را در عمل نشان دهد و درباره حمله به تأسیسات تحت پادمان موضعی روشن و بدون ابهام اتخاذ کند.

روسیه و چین؛ شرکای تهران در برابر یک‌جانبه‌گرایی امریکا

در کنار مسیرهای غیرمستقیم دیپلماتیک، ارتباط ایران با روسیه و چین نیز همچنان ادامه دارد. بقایی این دو کشور را شرکای راهبردی تهران توصیف کرده و گفته است رایزنی‌ها در سطوح مختلف، از تماس‌های تلفنی تا دیدارهای دیپلماتیک، به‌صورت مستمر انجام می‌شود.

اهمیت این ارتباطات در شرایط کنونی تنها به حمایت سیاسی از ایران محدود نیست. مسکو و پکن از جمله قدرت‌هایی هستند که با رویکرد یک‌جانبه امریکا مخالفت کرده‌اند و در موضوعات مرتبط با تحولات منطقه، مواضع متفاوتی از واشنگتن دارند. از نگاه تهران، این دو کشور به‌خوبی می‌دانند که وضعیت کنونی منطقه نتیجه سیاست‌ها و اقدامات امریکا و اسراییل است و در تعامل با واشنگتن باید درباره مسوولیت این وضعیت پاسخ بخواهند.

طرح احتمال نشست سه‌جانبه روسیه، چین و امریکا با محوریت ایران نیز نشان می‌دهد که مساله تهران به یکی از موضوعات مهم در محاسبات قدرت‌های بزرگ تبدیل شده است. بقایی در واکنش به این موضوع، گفت‌وگوی سه قدرت جهانی درباره یک قدرت جهانی دیگر را امری عجیب ندانسته، اما بر این نکته تأکید کرده است که ایران با دو شریک راهبردی خود در تماس نزدیک قرار دارد.

در این میان، فعال بودن مسیرهای دیپلماتیک منطقه‌ای نیز اهمیت دارد. قطر و پاکستان در دوره اخیر از جمله کشورهایی بوده‌اند که در انتقال پیام‌ها و حفظ کانال‌های ارتباطی نقش داشته‌اند. این میانجیگری‌ها را نباید با آغاز مذاکرات رسمی یا دستیابی به توافق اشتباه گرفت؛ اما وجود چنین کانال‌هایی نشان می‌دهد که حتی در اوج اختلافات، مسیرهای ارتباطی کاملاً بسته نشده‌اند.

برای ایران، حفظ این کانال‌ها به معنای واگذاری ابتکار عمل نیست. تهران می‌تواند هم‌زمان با حفظ روابط راهبردی با روسیه و چین، از ظرفیت کشورهای منطقه برای انتقال پیام‌ها استفاده کند و در عین حال، بر شروط خود پافشاری کند. این ترکیب از دیپلماسی چندجانبه و منطقه‌ای، امکان می‌دهد ایران در برابر فشارهای واشنگتن تنها به یک مسیر ارتباطی وابسته نباشد.

کشورهای منطقه؛ از مطالبه غرامت تا مسوولیت مشارکت در جنگ

یکی دیگر از محورهای مهم اظهارات بقایی، پاسخ به ادعاهای برخی کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس درباره مسوولیت ایران در قبال حملات به آنها و درخواست غرامت از تهران بود. سخنگوی وزارت خارجه این ادعاها را فاقد مبنای حقوقی دانست و در مقابل، بر مسوولیت کشورهایی تأکید کرد که به گفته ایران، در فراهم کردن زمینه حملات امریکا و اسراییل مشارکت داشته‌اند. بقایی با اشاره به سابقه حمایت برخی کشورهای منطقه از رژیم صدام در جنگ ایران و عراق، یادآوری کرد که آن پرونده همچنان در حافظه تاریخی ایران باقی مانده است. او همچنین گفت کمک‌های مالی، تسلیحاتی و سیاسی برخی دولت‌های منطقه به صدام مستند بوده و نمی‌توان انتظار داشت این سابقه از مطالبه تاریخی ایران حذف شود. اما بخش مهم‌تر این موضع، به تحولات اخیر مربوط می‌شود. تهران مدعی است برخی کشورهای منطقه با در اختیار گذاشتن خاک، آب و فضای خود، زمینه استفاده امریکا و اسراییل از امکانات نظامی و لجستیکی را فراهم کرده‌اند. بقایی با استناد به قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل، مسوولیت کشورهایی را که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در تجاوز نظامی مشارکت داشته‌اند، مطرح کرده و گفته است ایران از این کشورها مطالبه غرامت دارد. او همچنین تأکید کرده است که مستندات مربوط به نقش کشورهای منطقه در اختیار تهران قرار دارد و از مجاری دیپلماتیک به آنها اعلام شده است. در این چارچوب، ایران میان حمله به حاکمیت ملی کشورهای همسایه و هدف قرار دادن پایگاه‌ها و دارایی‌های نظامی مورد استفاده برای حمله به خاک ایران تمایز قائل است و اقدامات خود را در چارچوب حق دفاع مشروع براساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد تعریف می‌کند. این موضع‌گیری از نظر منطقه‌ای اهمیت زیادی دارد. ایران تلاش می‌کند نشان دهد که مخالفتش با حضور و مداخله نظامی امریکا در منطقه، به معنای تقابل با کشورهای همسایه نیست. در عین حال، تهران تأکید دارد که حسن همجواری نمی‌تواند به معنای نادیده گرفتن نقش احتمالی برخی دولت‌ها در عملیات نظامی علیه ایران باشد.

تنگه هرمز؛ مسوولیت بحران برعهده آغازکنندگان آن است

تحولات تنگه هرمز نیز در معادلات کنونی ایران و امریکا جایگاهی تعیین‌کننده دارد. این آبراه از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی در جهان است و هر گونه اختلال در وضعیت آن، پیامدهایی فراتر از منطقه خلیج‌فارس خواهد داشت. با این حال، تهران تأکید می‌کند که برای فهم وضعیت کنونی باید به علت شکل‌گیری بحران توجه کرد، نه اینکه صرفاً پیامدهای آن مورد بحث قرار گیرد. بقایی در واکنش به درخواست یکی از مقام‌های سازمان ملل برای تسهیل عبور محموله‌های کودشیمیایی از تنگه هرمز، اعلام کرده است که ایران حتی در اوج درگیری نیز برای کمک به انتقال اقلام بشردوستانه آمادگی داشته است. این موضع نشان می‌دهد تهران میان ملاحظات امنیتی و ضرورت‌های انسانی تفاوت قائل است و آمادگی خود را برای همکاری در انتقال اقلام ضروری اعلام کرده است. اما سخنگوی وزارت خارجه هم‌زمان از سازمان ملل انتقاد کرده که چرا در برابر تجاوز نظامی امریکا و اسراییل موضعی متناسب اتخاذ نکرده است. از نگاه ایران، نمی‌توان از تهران انتظار داشت پیامدهای یک بحران را مدیریت کند، اما درباره عامل اصلی ایجاد آن سکوت کرد. بقایی تأکید کرده است که در هر بحثی درباره امنیت تنگه هرمز، باید مسوولیت طرفی که با اقدامات نظامی و محاصره اقتصادی وضعیت موجود را ایجاد کرده، مورد توجه قرار گیرد. این موضع برای واشنگتن نیز حامل پیامی روشن است. امنیت مسیرهای دریایی و ثبات منطقه را نمی‌توان جدا از امنیت ایران و رفتار امریکا در قبال آن بررسی کرد. اگر دولت ترامپ خواهان کاهش تنش و بازگشت ثبات به منطقه است، باید به جای تمرکز بر فشار بیشتر، به ریشه‌های بحران و مسوولیت خود در شکل‌گیری آن توجه کند.

میدان نظامی و میدان اقتصاد؛ دو جبهه مکمل برای ایران

در کنار پرونده‌های دیپلماتیک و امنیتی، قالیباف در نطق اخیر خود به موضوعی اشاره کرده که برای آینده ایران اهمیت تعیین‌کننده دارد؛ میدان تولید و معیشت مردم. رییس مجلس تأکید کرده است که اصلی‌ترین نبرد کشور در کنار میدان نظامی، میدان اقتصادی است و تورم، بیکاری و نوسان قیمت‌ها با سخنرانی و بخشنامه حل نمی‌شوند.

این بخش از اظهارات قالیباف، تصویر کامل‌تری از نگاه ایران به شرایط پس از جنگ ارایه می‌دهد. حفظ توان دفاعی و بازدارندگی ضروری است، اما این توان زمانی می‌تواند به ثبات پایدار منجر شود که در کنار آن، اقتصاد داخلی نیز توان تحمل فشارها را داشته باشد. از این منظر، تولید، اشتغال، کنترل تورم و حفاظت از قدرت خرید خانوارها، صرفاً موضوعات اقتصادی نیستند؛ بلکه بخشی از ظرفیت ملی برای عبور از بحران به شمار می‌روند. تأکید قالیباف بر ضرورت نظارت بر بازار و مقابله با چندنرخی بودن کالاها نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است. او میان افزایش قیمت ناشی از تورم و چندنرخی بودن یک کالای مشابه تمایز قائل شده و دومی را نتیجه ضعف نظارت دانسته است. درخواست او از کمیسیون‌های تخصصی مجلس برای تهیه گزارش درباره مقصران وضعیت بازار، نشان می‌دهد که مساله معیشت باید از سطح اظهارنظرهای کلی به سطح پاسخگویی اجرایی منتقل شود.

در موضوع انرژی و بنزین نیز قالیباف بر ضرورت تصمیم‌گیری کارشناسی، اقناع افکار عمومی و پرهیز از اظهارنظرهای مکرر و نگران‌کننده تأکید کرده است. این رویکرد از آن جهت اهمیت دارد که اصلاح ناترازی‌های اقتصادی و انرژی، بدون همراهی مردم و بدون ارایه توضیح روشن درباره پیامدهای تصمیم‌ها، می‌تواند به عاملی برای افزایش نااطمینانی تبدیل شود. در واقع، ایران برای حفظ موقعیت خود در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی، به اقتصادی نیاز دارد که در برابر فشارهای خارجی مقاوم‌تر باشد. اگر میدان نظامی بتواند هزینه تجاوز را بالا ببرد، میدان تولید و معیشت باید توان ملی برای تحمل فشار و بازسازی را تقویت کند. این دو حوزه در تقابل با یکدیگر نیستند، بلکه مکمل یکدیگرند.

ترامپ با یک انتخاب روشن روبه‌رو است

مجموع مواضع اخیر مقام‌های ایرانی نشان می‌دهد تهران در حال ارسال یک پیام واحد به واشنگتن است؛ ایران نه از دیپلماسی فرار می‌کند و نه حاضر است تحت فشار از حقوق خود چشم‌پوشی کند. این موضع در اظهارات رییس مجلس و سخنگوی وزارت خارجه، با وجود تفاوت در حوزه مسوولیت آنها، به‌روشنی دیده می‌شود. قالیباف از آمادگی ایران برای توافق در صورت پذیرش شروط هفت‌گانه سخن می‌گوید و بقایی تأکید می‌کند که مساله اصلی، اعتبار و جدیت امریکا در مسیر دیپلماسی است. در مقابل، دولت ترامپ با چند مساله حل‌نشده روبه‌رو است. نخست آنکه تجربه حمله در میانه مذاکرات، اعتماد لازم برای آغاز یک روند تازه را از بین برده است. دوم آنکه واشنگتن همچنان می‌خواهد پرونده هسته‌ای را در مرکز مطالبات خود قرار دهد، در حالی که تهران بر حقوق خود در چارچوب ان‌پی‌تی تأکید می‌کند. سوم آنکه فشار نظامی و اقتصادی نتوانسته موضع اعلامی ایران را تغییر دهد و ادامه این مسیر می‌تواند هزینه‌های بیشتری برای امریکا و متحدان منطقه‌ای آن ایجاد کند.

از سوی دیگر، پرونده آژانس، مسوولیت کشورهای منطقه در جنگ و وضعیت تنگه هرمز، ابعاد بحران را از یک اختلاف دوجانبه فراتر برده است. اکنون مساله تنها چگونگی رابطه تهران و واشنگتن نیست، بلکه اعتبار سازوکارهای بین‌المللی، امنیت منطقه‌ای و آینده نظم سیاسی در غرب آسیا نیز به این تحولات گره خورده است.

در چنین شرایطی، ترامپ نمی‌تواند با تغییر لحن یا جابه‌جایی مذاکره‌کنندگان، انتظار داشته باشد معادله به نقطه پیشین بازگردد. اگر واشنگتن واقعاً خواهان توافق است، باید نشان دهد که حاضر است حقوق ایران را به رسمیت بشناسد، مسوولیت اقدامات گذشته را بپذیرد و از تبدیل مذاکره به ابزار فشار دست بردارد. در غیر این صورت، ادامه تهدیدها نه‌تنها راه توافق را باز نمی‌کند، بلکه بی‌اعتمادی را عمیق‌تر و هزینه‌های تقابل را بیشتر خواهد کرد. ایران اکنون موضع خود را اعلام کرده است: آمادگی برای توافق وجود دارد، اما نه به قیمت چشم‌پوشی از حقوق ملی و نه با پذیرش تهدید به عنوان مقدمه مذاکره. تهران بر حفظ توان دفاعی، تداوم روابط با شرکای راهبردی، استفاده از ظرفیت دیپلماسی منطقه‌ای و پیگیری مسوولیت حقوقی طرف‌های مشارکت‌کننده در جنگ تأکید دارد. این مجموعه مواضع نشان می‌دهد ایران قصد ندارد سرنوشت خود را به تصمیم‌های متغیر دولت امریکا گره بزند.

در نهایت، توپ در زمین واشنگتن است. ترامپ باید میان پذیرش واقعیت‌های جدید و ادامه سیاست پرهزینه فشار یکی را انتخاب کند. ایران مسیر خود را مشخص کرده و برای هر دو احتمال، یعنی توافق بر مبنای احترام متقابل یا ادامه دفاع از منافع و امنیت ملی، اعلام آمادگی کرده است. آنچه هنوز روشن نیست، این است که آیا دولت امریکا از تجربه‌های پرهزینه گذشته درس گرفته و آماده ورود به یک دیپلماسی واقعی است یا همچنان تصور می‌کند می‌تواند با تهدید، خواسته‌های خود را به ایران تحمیل کند. پاسخ این پرسش، نه در سخنرانی‌های واشنگتن، بلکه در تصمیم عملی دولت ترامپ مشخص خواهد شد.

پزشکیان: باید عملکرد و رفتار خود را با سخن و مسیر درست تطبیق دهیم

رییس جمهور با تأکید بر نقش کتاب و کتابخوانی در افزایش آگاهی، اصلاح رفتار و بهبود تصمیم‌گیری‌ها، گفت: کسی که مسوولیتی را می‌پذیرد، اما دغدغه مردم را ندارد، اساساً شایستگی حضور در آن جایگاه را ندارد و در چنین شرایطی صرفاً عمر خود را تلف می‌کند. ما باید عملکرد و رفتار خود را با سخن و مسیر درست تطبیق دهیم. مسعود پزشکیان صبح روز، یکشنبه ۲۴ آبان‌ماه ۱۴۰۵، در آیین گرامیداشت روز کتاب، کتابخوانی و کتابدار، همزمان با سی‌وچهارمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، با درود به روح پاک بنیانگذار انقلاب اسلامی، رهبر شهید و همه شهدای انقلاب اسلامی، از اقدامات و تلاش‌های فعالان حوزه فرهنگ مکتوب قدردانی کرد و اظهار داشت: به شما عزیزان خداقوت می‌گویم؛ فعالیت‌هایی که در این هفته انجام می‌دهید، بسیار مبارک و ارزشمند است. این در حالی است که برخی افراد تنها دیدگاه خود را قبول دارند و تصور می‌کنند هیچ مسیر یا نظر دیگری جز آنچه آنان مطرح می‌کنند، وجود ندارد یا صحیح نیست؛ در حالی که کتاب‌ها ذهن انسان را نسبت به مسائل پیرامونی گسترش می‌دهند و نگاه او را بازتر می‌کنند. رییس جمهور با اشاره به تأثیر عمیق کتابخوانی بر پذیرش و تغییر نگرش افراد، اظهار داشت: همه ما در برابر امر و دستور مقاومت می‌کنیم، اما زمانی که کتاب می‌خوانیم، به دلیل آنکه در کتاب منیت و تحمیل نظر شخصی وجود ندارد، ذهن، اخلاق و رفتارمان به‌تدریج تغییر می‌کند. در واقع، با استمرار کتابخوانی متحول می‌شویم و با تجربه‌های گوناگون آشنا می‌شویم. از این رو، در هر لحظه می‌توان از تجربه‌های ثبت‌شده در کتاب‌ها درس گرفت و عبرت آموخت. پزشکیان با اشاره به شرایط کنونی جامعه و مشکلات کشور تأکید کرد: ضرورت دارد بدانیم گره و مانع اصلی کار کجاست. کسی که مسوولیتی را می‌پذیرد، اما دغدغه مردم را ندارد، اساساً شایستگی حضور در آن جایگاه را ندارد و در چنین شرایطی صرفاً عمر خود را تلف می‌کند. ما باید عملکرد و رفتار خود را با سخن و مسیر درست تطبیق دهیم. رییس جمهور هدف حاکمیت را ایجاد فضایی عادلانه برای برخورداری تمامی آحاد جامعه از زندگی عزتمندانه دانست و افزود: بنابراین باید همواره به فکر مردم باشیم، ذهن خود را محدود نکنیم و در برابر سخن درست موضع نگیریم. کتاب نیز همچون نماز، برای خواندن و عمل کردن است. ما نماز را اقامه می‌کنیم، چراکه در تمام اجزای آن درس‌ها و آموزه‌های متعددی وجود دارد. پزشکیان با تأکید بر اینکه مطالعه کتاب زمینه یادگیری و اجرای صحیح آموزه‌ها و در نهایت اصلاح امور را فراهم می‌کند، ادامه داد: کسی که کتاب می‌خواند، می‌آموزد و می‌تواند آنچه را فراگرفته به‌درستی اجرا کند و زمینه اصلاح را فراهم آورد. از جمله آموزه‌های مهم قرآن کریم و سایر کتاب‌ها نیز دوری از دروغ، تهمت و مسائلی از این دست است. رییس جمهور با تأکید بر اینکه مطالعه کتاب زمینه یادگیری، اجرای صحیح آموزه‌ها و اصلاح امور را فراهم می‌کند، ادامه داد: از جمله آموزه‌های مهم قرآن کریم و سایر کتاب‌ها، پرهیز از دروغ، تهمت و رفتارهای ناپسند از این دست است. قرآن کریم کتاب رحمت است و به ما درس گذشت، پرهیز از کینه، دشنام و دشمنی می‌آموزد؛ رفتارهایی که در شأن جامعه اسلامی نیست. در شاهنامه درس‌های فراوانی درباره مبارزه با قلدران و زورگویان و همچنین اصلاح‌گری وجود دارد. آز و طمع از مهم‌ترین مفاهیمی است که در این اثر به آنها پرداخته شده و اگر انسان به این صفات مبتلا شود، به قعر جهنم سقوط خواهد کرد. رییس جمهور در بخش دیگری از سخنان خود، با اشاره به فعالیت کتابداران، نویسندگان و ناشران، آنان را از گروه‌های تأثیرگذار جامعه برشمرد و اظهار داشت: فعالیت‌های شما می‌تواند نسل‌ها و نگرش‌ها را تغییر دهد. کافی است بدانیم و بخواهیم تا بتوانیم در جایگاهی متفاوت از موقعیت کنونی خود قرار بگیریم. ضلالت به معنای فقدان آگاهی و علم و گرفتار بودن در جهل و نادانی است. پزشکیان با تأکید بر ضرورت شناخت سنت‌ها و روش‌های تاریخی جوامع دیگر، یادآور شد: تصمیم‌گیری بدون برخورداری از تجربه و آگاهی، تصمیمی نادرست است. عزت و سربلندی در گرو شناخت و درک صحیح سنت‌ها و روش‌های تاریخی است و از این طریق می‌توانیم زمینه دستیابی به عزت را فراهم کنیم. بنابراین، هر مدیر، مسوول و دانشجویی که امکان مطالعه دارد، باید برای تغییر شرایط زندگی و بهبود وضعیت موجود کتاب بخواند. امیدوارم در این هفته و با توجه به اقدامات و فعالیت‌های صورت گرفته، زمینه مناسبی برای رشد جامعه و گسترش فرهنگ کتابخوانی فراهم شود. وی از تلاش افرادی که با تحمل دشواری‌های سفر، در قالب کتابخانه‌های سیار به مناطق محروم می‌روند و به توزیع کتاب می‌پردازند، قدردانی کرد و افزود: از عزیزانی که در این مسیر تلاش می‌کنند، تشکر می‌کنم. این اقدام بسیار ارزشمند است؛ چراکه کتاب می‌تواند انسان را هدایت کند. مهارت برقراری ارتباط، توجه به پیامی که منتقل می‌کنیم و دقت در آنچه بیان می‌شود، از الزامات فعالیت شما عزیزان در حوزه کتاب و نشر است. در پایان با اشاره به ضرورت رفع کمبودها و کاستی‌های حوزه چاپ و نشر، گفت: در دولت درباره راهکارهای برطرف کردن مشکلات و کسری‌های این حوزه بحث و گفت‌وگو خواهیم کرد. می‌توانیم با افزایش آگاهی و ترویج فرهنگ کتابخوانی از وضعیت کنونی عبور کنیم. هر فردی نیز باید در جایگاه و مسوولیتی که بر عهده دارد، خدمتگزار مردم و جامعه باشد.